

فضول باشی و قصه ثبت نام کاندیداهای هیئت فوتبال استان

چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. این ضربالمثل کاملاً در وصف داستان ثبت نام کاندیداها برای به دست آوردن صندلی ریاست هیئت فوتبال استان صادق است.

وقتی همه چیز روشن و آشکار است چرا باید وقت تلف شود، هزینه اضافی انجام بگیرد و برای عده‌ای فضای میدان‌داری و یا هواداری و چماق‌داری و زیر آبرزی فراهم شود؟ وقتی شرایط حاکم بر روند انتخابات از ماه‌ها قبل بر وفق مراد و خواسته برخی‌ها باشد سینه پاره کردن دیگران چه دلیل و چه علتی دارد؟ وقتی مهره‌ها را شناسایی و بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری شده این ثبت نام‌ها و فرایندهای بعدی آن چه صیغهای می‌باشد؟

آن‌هایی که دوست دارند به کاخ حافظ برسند به نصایح، پیش‌بینی‌ها و گفته‌های کسانی که بدجوری برای پیروزی مطمئن هستند گوش نمی‌کنند و خود را به درد سر می‌اندازند و بی‌خود و بی‌جهت انرژی مصرف می‌کنند.

به جرئت می‌گویم که همه این کارها جز اجرای یک سناریوی از پیش‌تعیین‌شده چیز دیگری نیست. آن‌ها بهتر است بروند و کنار بکشند و بگذارند آن‌ها که برای این کار از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده و مهره‌ها جایجا نموده و با عده‌ای هم‌قسم شده‌اند به راحتی و بدون استرس به نتیجه برسند.

گفتم: فضول باشی از راه نرسیده این چه بساطی است که راه انداخته‌ای، برو استغفار بکن. مهندسی کردن مجمع و یا مهره چینی‌ها ساخته و پرداخته‌ی ذهن معیوب و عقل ناقص تو می‌باشد. من ده‌ها دلیل و مصاحبه و گفتگو می‌توانم برای شما نشان بدهم که همواره گفته‌اند، اساسنامه ملاک و معیار اقدام در هیئت فوتبال استان است. ادعایی به این بزرگی که نمی‌تواند شعار و یا دروغ باشد. برو برادر، برو و مقداری به دنیای بعد از مرگ فکر کن تا این‌همه به پروپای مردم نیچی و زحمات عده‌ای را در برگزاری یک مجمع بی‌طرفانه و منصفانه زیر سوال نبری.

گفت: به تو چه وعده‌ای داده‌اند که این قدر تغییر موضع داده و مرا متهم می‌کنی. من فضول باشی هستم و هیچ وقت بدون دلیل حرف نمی‌زنم.

تو که این قدر دو آتش طرفداری می‌کنی آیا توان پاسخ گفتن به یک سؤال را داری؟

گفتم: جان هر کسی که دوست داری سؤال‌های سخت و محرمانه و طبقه‌بندی می‌پرس. اگر سؤال‌ات معمولی باشد من در خدمت‌ام. هیچ ایرادی ندارد، یا قدرت پاسخ‌گویی خواهم داشت و یا مثل خیلی‌ها به آرامی از کنار سؤال تو گذر خواهم نمود.

گفت: مردومردانه می‌توانی آقای گل مسابقات لیگ به اصطلاح برتر استان را معرفی بکن؟

حرف‌اش را قطع کردم و گفتم ولکن بابا به من و تو چه مربوطه که چه کسی آقای گل شده است. اصلاً در مکتب ما و در حوزه استان اردبیل اتفاقات روی داده در لیگ محرمانه است. اطلاع‌رسانی نمی‌کنیم. بسوز و دق مرگ بشو. اطلاعات لیگ ما مخصوص ازما بهتران است، تو را سینه نه، برو به کار و زندگات برس و زیاد در حوزه مسئولیت دیگران سرک نکش.

در ادامه گفتم: تا افرادی چون تو در این ورزش و فوتبال هستند امیدواری برای بهبود حال‌وروز آن سرابی بیش نیست. تو می‌گویی حرفی نزن، انتقادی مکن و ما را از وضعیتی که داریم قدمی رو به جلو حرکت نده. ده‌ها سال در وضعیت فعلی ماندن و فکر پیشرفت را از ذهن دور کردن، هدف تو می‌باشد. (21/8/1400).

فضول باشی نمی‌خواهد ساکت بشود: تو آزادی و مختار که هر جور می‌خواهی فکر بکنی و قضاوت نمایی ولی من بار دیگر به کاندیداهای ریاست هیئت فوتبال به‌جز آقای خاص نصیحت می‌کنم که بی‌خود و بی‌جهت خود و دیگران و فدراسیون‌نشین‌ها را اذیت نکنند، نتیجه قابل‌پیش‌بینی است، پس متحمل زحمت نشوید.

فضول باشی با صورتی برافروخته و چشم‌هایی از حدقه درآمده و صدایی لرزان افزود: آیا این کاندیداها آمده‌اند که به فوتبال خدمت کنند؟ دور از لطف نیست که به این لطیفه کوچک دقت کنند.

عربی، غلام می‌خرید. برده‌فروش گفت: عیب‌اش را هم بگویم که در رختخواب بول می‌کند.

عرب گفت: اگر رختخواب یافت، هر کاری که می‌خواهد، بکند.